



بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوشامدید؛ بانوان محترم، خواهان عزیز! و حقیقتاً امروز با دیدن این جمع متراکم و فرزانه و همه دلبسته‌ی قرآن، برای من یک روز عید محسوب میشود و این را لطفی از طرف کریمه‌ی اهل بیت - حضرت فاطمه‌ی معصومه (سلام الله علیها) - به حساب می‌آورم. خدا را شکر میکنیم که در کشور ما روزی پیش آمد که این مجموعه‌ی عظیم از بانوان کشور با انگیزه‌ای عمیق و منطقی و عالمانه به دنبال قرآن، فهم قرآن، ترویج قرآن، تحقیق در قرآن باشند و اینجور فضای قرآنی کشور را رونق بدهند. یقیناً این یک موهبت بزرگی از طرف پروردگار برای کشور ماست. همه‌ی پیشنهادهائی که بانوان محترم اینجا کردند، قابل توجه است. ان شاء الله اینها را ما میگیریم، بررسی میشود، مورد توجه قرار میگیرد و اگر مسئولینی متصدی این کارها هستند، به آنها احاله خواهد شد. و امیدواریم بخشی از این پیشنهادهای که عملی است، منطقی است و قابل قبول است، ان شاء الله اجرائی بشود.

دو مطلب من عرض میکنم: یک مطلب، اصل این حرکت زنانه‌ی بسیار برجسته و پرشکوه در کشور ما و در جمهوری اسلامی است. مطلب دوم هم درباره‌ی مسائل مربوط به قرآن است. به نظر اینجور میرسد که اصل توجه بانوان کشور ما به قرآن و حضورشان در صحنه‌ی قرآن، پدیده‌ای است که باید به عنوان توفیق بزرگ نظام جمهوری اسلامی در مقابل چشم بینندگان و جویندگان و منتقدان و دوستداران و مخالفان قرار بگیرد؛ همه ببینند.

اولاً خود ورود بانوان در مسائل تحقیقی و علمی - که این دیگر مخصوص مباحث قرآنی نیست - قابل توجه است. بنده معمولاً مجلاتی را که در کشور منتشر میشود - مجلات علمی؛ علمی، تحقیقی؛ علمی، ترویجی - نگاه میکنم؛ مرور میکنم و در همه‌ی رشته‌هائی که مجلات ما - که حاوی مطالب جدید هستند - برگرد آنها مطلب مینویسند، انسان می‌بیند شمار نویسندگان و پژوهشگران زن در آنها، شمار برجسته‌ی قابل توجهی است. در علوم حوزوی، در فقه، در فلسفه، در مسائل دانشگاهی، در علوم انسانی، علوم طبیعی، حضور زنان در کشور ما حضور بارز و برجسته‌ای در همه‌ی بخشهای علمی است. دانشگاه‌ها را دختران دانشجوی ما پر کرده‌اند؛ محیطهای علمی را حضور زنان به شکل شگفت‌آوری واضح و آشکار کرده. این چیست؟ این چه پدیده‌ای است؟ این چه حقیقتی است؟ کی ما در کشور این همه عنصر پژوهشگر و محقق و عالم و باسواد و اهل تبلیغ و اهل ترویج از زنان داشتیم؟ در گذشته‌ی تاریخ ما هرگز چنین چیزی وجود نداشته. بله، تک و توکی، دانشمندانی از زنان، برجستگانی بوده‌اند، لیکن نه به معنای حضور چشمگیر و غالب در همه‌ی جامعه. این مخصوص دوران جمهوری اسلامی است؛ این به برکت حاکمیت اسلام در این کشور است که زنان در عرصه‌ی حضور علمی، اینجور خودشان را دارند نشان میدهند و این برجستگی‌ها را پیدا میکنند. این جزو افتخارات نظام جمهوری اسلامی است. اینی که من مکرر در جمعهای دانشجویی و در جمعهای جوان گفتم که در قضیه‌ی زن، ما در مقابل ادعاهای غربی‌ها دفاع نمیکنیم، ما حمله میکنیم و غرب باید از خود در قضیه‌ی زن دفاع کند، نه اسلام، برای این است.

اسلام برخلاف آنجوری که همیشه در نظامهای طاغوتی وجود داشته است که با چشم دیگری اصلاً به زن نگاه میکردند، به زن شخصیت میدهد. در اسلام وقتی برای مؤمن نمونه میخواهند مشخص بکنند، نمونه‌ی زن معین میکنند. «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرأت فرعون»؛ (1) این نفر اول، «و مریم ابنت عمران»، (2) نفر دوم؛ نمونه برای للذین آمنوا، دو زن. نمونه برای للذین كفروا هم دو زن: «امرأت نوح و امرأت لوط کانتا تحت عبدین من عبادنا ... فخانثاهما». (3) یعنی زن را نه فقط محور و عبرت و آئینه‌ای برای زنان، بلکه برای کل جامعه قرار میدهد. میشد یک مرد انتخاب بکنند. نه، این در مقابله‌ی با آن نگاه انحرافی و غلطی است که نسبت به زنان وجود داشته. این نگاه، همیشه هم تحقیرآمیز نبوده؛ اما همیشه غلط بوده.

همیشه به شکل غلطی در نظامهای طاغوتی به زن نگاه شده؛ امروز در غرب هم همین جور است. حالا عده‌ای از زنان - مثل خیلی از مردان - در همین نظامهای غربی شخصیتهای برجسته و محترم و پاکیزه‌ای ممکن است در بیابند،



لیکن نگاه عمومی به زن که در فرهنگ غربی نهادینه شده، نگاه غلطی است؛ نگاه ابزاری است، نگاه اهانت‌آمیز است. از نظر غرب، علت اینکه شما نباید توی چادر باشید، نباید حجاب داشته باشید، این نیست که آزاد باشید. شما دارید می‌گوئید من با حجاب هم آزادی دارم. او چیز دیگری مورد نظرش است؛ زن را برای نوازش چشم مرد، برای بهره‌وری نامشروع مرد، میخواهند به شکل خاصی در جامعه ظاهر بشود. این، بزرگترین اهانت به زن است؛ حالا ولو با چندین لقف تعارف‌آمیز این را بیوشانند و اسمهای دیگری رویش بگذارند.

احترام به زن این است که به زن فرصت داده بشود تا آن نیروها و استعدادها برجسته و عظیمی را که در درون هر انسانی خدای متعال به ودیعه نهاده است - از جمله زن و استعدادهائی که فقط در درون زنان وجود دارد - این استعدادها در سطوح مختلف بروز کند؛ در سطح خانواده، در سطح جامعه، در سطح بین‌المللی، برای علم، برای دانش و معرفت و تحقیق، برای تربیت و سازندگی. احترام به زن این است. من می‌بینم این در جامعه‌ی ما به توفیق الهی، به فضل الهی دارد خودش را کاملاً نشان میدهد. خوب، این مربوط به اساس کاری که امروز بحمدالله بانوان کشور ما دارند که خیلی ارزشمند است که در همه‌ی عرصه‌های علمی حضور دارند، آن هم حضور فعال و تحسین‌برانگیز؛ و بخصوص حضور در مجموعه‌ی قرآنی و کار قرآنی که بسیار چیز باارزشی است.

من گمان نمیکنم در هیچ نقطه‌ای از جهان اسلام، این کمیت عظیم با این انگیزه و شور در کارهای قرآنی فعال باشند. البته اطلاع دقیق ندارم، بررسی نکردم؛ اما آن طور که از اطلاعات عمومی انسان میشوند - «لوکان لبان»؛ اگر بود ما میدانستیم؛ می‌فهمیدیم - چنین چیزی نیست و من گمان نمیکنم در دنیای اسلام وجود داشته باشد. این، فقط هنر شماس است. این همه خانمهای قرآن‌پژوه در مسائل گوناگون قرآنی؛ از مسائل صرفاً علمی تا مسائل تبلیغی، تا مسائل تربیتی، تا کار هنری؛ این همه خیلی به نظرم باارزش است. البته اگر آن طوری که پیشنهاد شد - حالا بررسی بشود، جوانبش سنجیده بشود - این مسئله‌ی مسابقات بین‌المللی اگر عملی باشد و اقدام بشود، آنوقت ارج کار زن ایرانی در زمینه‌ی قرآن معلوم و روشن خواهد شد. و این يك افتخار است؛ هم برای زن ایرانی، هم برای جمهوری اسلامی که بتواند در مسئله‌ی قرآن، این چنین فعالیت چشمگیری داشته باشد.

در باب قرآن، ما باید اعتراف کنیم که سالهای متمادی جامعه‌ی ما با قرآن فاصله گرفت. ما در جمهوری اسلامی داریم این فاصله را کم میکنیم؛ عقب‌ماندگی‌ها را جبران میکنیم، اما این عقب‌ماندگی خیلی زیاد بوده. در دوران حاکمیت‌های طاغوت، قرآن به صورت رسمی در جامعه حضور نداشت؛ گوشه کنار کسانی ممکن بود با قرآن آشنا باشند - متدینینی در خانه‌ها قرآن میخواندند - اما این فقط تلاوت قرآن بود؛ تدبر در قرآن، بخصوص در سطح جامعه و در منظر عموم خیلی کم بود؛ بسیار کم بود. نتیجه این شده بود که مجموعه‌های روشنفکری و مجموعه‌های دانشگاهی ما بکلی با قرآن فاصله داشتند؛ یعنی واقعاً در بین تحصیلکرده‌های آن زمان، کسی که با قرآن انسی داشته باشد، آشنائی‌ای داشته باشد - نه آشنائی خیلی وسیع و عمیق، بلکه آشنائی محدود - واقعاً به چشم نمیخورد؛ مگر کسانی که سابقه‌ی طلبگی داشتند و از دوران طلبگی، آیاتی حفظ بودند؛ اما در دیگر کشورهای اسلامی و بخصوص کشورهای عربی، به خاطر شرائطی، وضعیت اینجور نبود و الان هم همین جور است. انسان روشنفکرهای آنها را، تحصیلکرده‌های دانشگاهی‌شان را که در مناصب گوناگون دولتی هم هستند، وقتی ملاقات میکند، می‌بیند اینها از آیات قرآن به صورت تمثیل، به عنوان شاهد، به عنوان مؤید، استدلال، در کلمات خودشان استفاده میکنند؛ چیزی که در بین مجموعه‌ی روشنفکران قدیمی ما وجود نداشت، ولی در بین نسل جوان ما چرا. این به خاطر همان دور ماندن از قرآن بود، که ما دور مانده بودیم. حالا در آن کشورها کیفیت تعلیم و تربیت چه جور بود، آن يك بحث دیگر است. در کشورهای عربی بخصوص این چیز رائجی بود؛ الان هم هست. ما از اول انقلاب با این پدیده برخورد میکردیم. این سیاستمداران و دولتمردان کشورهای عربی که همیشه هم ما به دوری اینها از مبانی قرآنی در عمل، اعتراض داشتیم و داریم و اعتراض بحق هم بود، اما قرآن در ذهن و زبان اینها حضور داشت. همیشه ما تأسف می‌خوردیم که ما چرا اینجوری نیستیم. مثل اینکه حالا اگر من بخواهم تشبیه بکنم، افراد با ذوق ایرانی در خلال صحبتشان ممکن است جملاتی از گلستان سعدی، از شعر حافظ، جملاتی از فلان نویسنده‌ی معروف بیاورند، آنها از قرآن همین جور استفاده‌هایی میکردند؛ اما در کشور ما چنین چیزی نبود. ما از قرآن به خاطر نوع تربیتی که قبل از



انقلاب وجود داشت، فاصله گرفته بودیم.

ما حالا میخواهیم این را جبران بکنیم و برای این، حقا و انصافا کار زیادی از اول انقلاب انجام گرفته، که نتیجه‌اش را هم داریم مشاهده میکنیم؛ لکن این آغاز کار است؛ آغاز راه است. با قرآن باید عجین شد؛ مفاهیم قرآنی مفاهیمی است برای زندگی؛ فقط معلومات نیست. گاهی انسان معلومات قرآنی‌اش خوب است، اما از قرآن در زندگی او هیچ اثری نیست! بعضی از خانمها هم در اینجا اشاره کردند، گفتند. ما باید تلاشمان این باشد که قرآن در زندگی ما تجسم پیدا کند. همان طور که از یکی از زوجات مکرمه‌ی پیغمبر اکرم وقتی درباره‌ی اخلاق پیغمبر پرسیدند، ایشان در جواب گفتند که: «کان خلقه القرآن»؛ (4) اخلاق او قرآن بود؛ یعنی قرآن مجسم بود. این باید در جامعه‌ی ما تحقق پیدا کند.

حالا يك حقیقت بسیار واضحی وجود دارد که به خاطر کثرت وضوح، اغلب مخفی هم میماند. این حقیقت را هم بگوئیم؛ مطرح کنیم. آن حقیقت، خود اصل تحقق جمهوری اسلامی است؛ این تجسد قرآن است. نظام جمهوری اسلامی، نظام دین‌مدار، یکی از بزرگترین اقلام عمل به قرآن است که این را انقلاب برای ما تأمین کرد. از این غفلت نکنیم. بله، در داخل این چهارچوب بزرگ، جدولهای زیادی است که باید پر بشود، کارهای زیادی است که باید انجام بگیرد، اما کار اصلی، کار اساسی، این بود که این نظام به وجود بیاید. ایجاد يك نظام مبتنی بر دین که مسئولان این نظام، هویتشان، اهدافشان، خصوصیاتشان، عملکردشان، ارتباطشان با مردم، عملکردشان برای مردم بر اساس دین باشد - بر اساس دستور دینی و دستور اسلامی باشد - این همان بزرگترین قلم از اقلام عمل به قرآن است؛ یعنی همان کاری که پیغمبر اکرم در آمدن به مدینه و هجرت به مدینه انجام دادند. تا وقتی جامعه‌ای نباشد، نظامی نباشد، تمرکز اقتداری نباشد که بتواند بر روی همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی سایه بیفکند، کارها ضمانتی ندارد. قبل از انقلاب، خیرخواهان و ناصحان معدودی بودند؛ دلشان میسوخت، حرص میخوردند، مردم را هی نصیحت میکردند - حالا در وسائل ارتباط جمعی عمومی یا محدودتر - موعظه میکردند؛ موعظه هم بی‌تأثیر نیست، در دل اثر میکند؛ اما قابل تحقق عملی نیست؛ چرا؟ چون نظام، نظام غلطی است؛ چون جهتگیری جامعه، جهتگیری ضد عدالت، ضد انصاف، ضد مروت، ضد اخلاق است. حالا در يك چنین جهتگیری‌ای، شما هی اصرار کنید کسی را به اینکه عدالت کن، ترحم کن، انصاف بورز؛ مگر میشود؟ جهتگیری مهم است. اصل جهتگیری با تشکیل يك نظام است؛ نظام دارای جهتگیری درست و دین. این کار را انقلاب انجام داد و این نظام را به وجود آورد. من این را میخواهم بگویم که قرآن‌پژوهان ما، جوانان پرشور و علاقه‌مند ما این حقیقت را از یاد نبرند؛ این حقیقت خیلی واضح و روشنی است، اما غالبا مغفول‌عنه! این خیلی حقیقت مهمی است.

در این چهارچوب بایستی وارد سازندگی قرآنی شد و کارهای اساسی را انجام داد، برای اینکه محتواها به معنای حقیقی کلمه قرآنی بشود؛ رفتار فردی ما، رفتار مدیریتی ما، رفتارهای سازمانی ما، رفتار ما در آموزش و پرورش - یعنی دستگاه آموزش و پرورش ما شامل دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و حوزه‌ها و همه جا - رفتار در درون خانواده‌ی ما، رفتارهای سیاسی ما، رفتار بین‌المللی ما، همه بر اساس اسلام باشد؛ این کی خواهد شد؟ آنوقتی که ما با مفاهیم قرآن، بدرستی آشنا باشیم. این همان کاری است که با این حرکت عظیم قرآن‌پژوهی - چه بخش زنانه‌اش، چه بخش مردانه‌اش - تحقق پیدا خواهد کرد. جهت باید این باشد؛ در این سمت بایستی پژوهشها حرکت بکند. يك نکته‌ی مهم در کارهای پژوهشی قرآنی این است که فردی که میخواهد در طریق کار قرآن حرکت بکند، دل را برای مواجهه‌ی با حقیقت ناب قرآنی آماده کند؛ یعنی آن پاکیزگی دل. اگر دل پاکیزه نباشد، آماده‌ی پذیرش حق و حقیقت از زبان قرآن نباشد، دل‌بسته‌ی مبانی غیر اسلامی و غیر الهی باشد، با قرآن مواجه بشود، از قرآن استفاده‌ای نخواهد کرد. اینی که قرآن میفرماید که: «یضل به کثیرا و یهدی به کثیرا»، (5) خوب، اضلال به قرآن چرا؟ حالا هدایت به قرآن معلوم، اما اضلال به قرآن چرا؟ این به خاطر این است که: «و أمّا الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجسا الی رجسهم»؛ (6) آن کسانی که در دلشان مرض هست، وقتی قرآن را میخوانند، بر آن پلیدی درونی آنها افزوده خواهد شد. این آیه‌ی قرآن یا سوره‌ی قرآن، پلیدی آنها را افزایش خواهد داد. این پلیدی چیست؟ این «فی قلوبهم مرض» چه مرضی است؟ این مرض یعنی همان بیماری‌های اخلاقی. وقتی دچار حسدیم، وقتی دچار بدخواهی هستیم،



وقتی دچار حرصیم، وقتی دچار دنیاطلبی هستیم، وقتی شهوات بر ما غلبه دارد، وقتی قدرت‌طلبی‌ها بر ما غلبه دارد، وقتی حق‌کشی و ندیدن حق، کتمان حق بر روح ما، بر دل ما غلبه دارد، از قرآن استفاده نمیکنیم. ضد آنچه که باید قرآن به ما بدهد، از قرآن ضد آن را دریافت میکنیم. باید به خدا پناه برد. می‌بینید گاهی بعضی آیه‌ی قرآن را میخوانند برای کوبیدن اسلام! برای کوبیدن جمهوری اسلامی! برای نابود کردن فضائی که جمهوری اسلامی در اختیار ما قرار داده است! باید پاکیزه با قرآن مواجه شد تا نور قرآن و تذکر قرآنی در دل ما بگیرد و بتوانیم ان شاء الله از آن استفاده کنیم.

یک نکته‌ی دیگر در مورد پژوهشهای قرآنی این است که در پژوهشهای قرآنی توجه به کارهای علمی مبنائی و اصولی خیلی لازم است. اینجور نیست که هر کس عربی بلد بود، بتواند از قرآن همه‌ی مطالب را بفهمد و درک بکند؛ بتواند یک پژوهنده‌ی قرآنی باشد؛ نه. اولاً انس با خود قرآن لازم است؛ یعنی پژوهنده‌ی قرآنی باید با مجموع قرآن مأنوس باشد؛ تلاوت قرآن، دوباره خواندن قرآن، سه باره خواندن قرآن، تدریهای شخصی در قرآن، کمک میکند به اینکه ما وقتی در یک موضوع خاصی در قرآن دنبال حقائق میگردیم، درباره‌ی آن موضوع بتوانیم راه به جایی ببریم؛ پس خود انس با قرآن لازم است.

بعد هم کیفیت استفاده‌ی از قرآن؛ این شیوه‌ای که علمای دین ما، فقهای ما در استفاده‌ی از آیات و روایات دارند، یک شیوه‌ی تجربه شده است، یک متد علمی پخته شده و رسیده و کاملاً آزموده شده است؛ اینها را باید فرا گرفت. نمیخواهم بگویم هر کس میخواهد پژوهش قرآنی کند، برود سالها درس طلبگی بخواند؛ مراد من این نیست، اما پژوهش قرآنی بدون اینکه انسان مقدمات و مبادی فهم قرآن را که از جمله‌ی آنها همین آشنائی با زبان، آشنائی با نکات و دقائق زبان، آشنائی با بعضی از مبانی اصول فقه است - که اینها جزو چیزهای لازم است - اینها را باید فهمید؛ و استفاده‌ی از روایاتی که در ذیل قرآن هست. اینها همه در پژوهشهای قرآنی مؤثر است.

یک نکته‌ی دیگر هم که عرض بکنیم و نکته‌ی آخر باشد، این است که من درباره‌ی علوم انسانی گلیه‌ای از مجموعه‌های دانشگاهی کردم - بارها، این اواخر هم همین جور - ما علوم انسانی‌مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان‌بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچگونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، میاوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخشهای مختلف اینها را تعلیم میدهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخشهای مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آنوقت متفکرین و پژوهندگان و صاحبانظران در علوم مختلف انسانی میتوانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آنوقت میتوانند از پیشرفتهای دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد.

امیدواریم خداوند متعال به شماها توفیق بدهد. من از همه‌ی خانمهای محترم، بانوان گرامی که در بخشهای مختلف کشور در کار قرآنی فعالند، صمیمانه تشکر میکنم. و حضور شماها در عرصه‌ی کار قرآنی، به جامعه‌ی زن کشور الهام خواهد داد و زنان کشور ما - یعنی نیمی از جمعیت - را ان شاء الله به قرآن متمایل خواهد کرد. و اگر زنها با قرآن مأنوس بشوند، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد؛ چون انسانهای نسل بعد در دامن زن پرورش پیدا میکند و زن آشنای با قرآن و مأنوس با قرآن و متفاهم با مفاهیم قرآن، خیلی میتواند در تربیت فرزند تأثیراتی داشته باشد و امیدواریم ان شاء الله به برکت این حرکت عظیم شماها، فردای جامعه‌ی ما بمراتب از امروز قرآنی‌تر باشد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(1) تحریم: 11

(2) تحریم: 12



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

3) تحریم: 10

4) فضائل الخمسة، ج 1، ص 117

5) بقره: 26

6) توبه: 125